

## مطالعه خرافه‌گرایی در میان دانشجویان با رویکرد کیفی

محمد عباس‌زاده<sup>۱</sup>

نسرین انصاری اوزی<sup>۲</sup>

علی بوداچی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۰۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۰۱

### چکیده

پژوهش حاضر درصدد است تا به روش‌شناسی کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی به فهم عمیق تجربه زیسته خرافه‌گرایی در میان دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز بپردازد. جامعه مورد مطالعه این پژوهش دانشجویان دختر مقطع ارشد دانشگاه تبریز است که حداقل دو بار در یک سال اخیر ۱۳۹۴-۱۳۹۵ به فال‌بین مراجعه کرده‌اند. مصاحبه‌ها به روش مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته انجام شده است و تا جایی که از نظر پژوهشگر به اشباع نظری برسد، ادامه یافته است. اعتبار پژوهش با در نظر گرفتن مکان و زمان پژوهش و حداقل دخالت ارزشی از سوی مصاحبه‌گر صورت گرفته است. بعد از گردآوری داده‌ها و مطالعه متن مصاحبه‌ها، داده‌ها بعد از بازبینی‌های مکرر کدگذاری و مقوله‌بندی شدند. نتایج یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که پدیده خرافه‌گرایی به پیامدهای ذهنی منفی از جمله تقدیرگرایی، وابستگی فکری و تأثیرگذاری منفی بر ذهن آزمون‌شوندگان منجر می‌شود. همچنین از جمله متغیرهای تأثیرگذار بر خرافه‌گرایی در پژوهش حاضر می‌توان به احساس ناتوانی، پیشینه خانوادگی (تجربه آموخته‌شده)، نظام مردسالاری حاکم بر فضای جامعه و بی‌هنجاری اشاره کرد. در پایان پژوهش برآیند متغیرهای تأثیرگذار در گرایش به خرافه‌گرایی ماتریس شرطی «تخذیر ذهنیت» حاصل شده است.

واژه‌های کلیدی: پدیدارشناسی، تخذیر ذهنیت، خرافه‌گرایی.

۱. استاد جامعه‌شناسی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)،

m.abbaszadeh2014@gmail.com

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تبریز، n.Ansariozi2016@gmail.com

۳. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شهیدچمران اهواز، a.boudaghi@scu.ac.ir

## مقدمه و طرح مسئله

در فرهنگ معین، خرافات به معنای سخنان بیهوده و افسانه و در فرهنگ فارسی عمید، به معنای حدیث باطل، سخن بیهوده و یاوه است (جان‌علیزاده چوبستی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۶). پژوهشگران علم روان‌شناسی، خرافه یا اعتقاد به موهومات را «گرایش یا استعدادی برای نسبت‌دادن بروز یک پدیده با توضیح طبیعی، به عوامل سری یا فوق طبیعی یا باوری پذیرفته‌شده که درستی آن با علم ثابت نشده باشد» معنا کرده‌اند (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۹). هم‌اکنون با وجود رشد علمی و فنی در کشورهای مختلف، حتی در کشورهای پیشرفته، در فرهنگ و سنن اجتماعی آن‌ها نشانه‌هایی از خرافات مشاهده می‌شود و بازار مشاغلی چون رمالی، طالع‌بینی و کف‌بینی رونق بسیاری دارد (فتاحی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۰۲).

خرافات اصطلاحی نسبی و مقید به زمان و مکان است. به عبارت دیگر، ممکن است امری از دیدگاه مردم یک زمان یا یک منطقه خرافی و از دید مردم متعلق به زمان یا مکان دیگر کاملاً منطقی تلقی شود. نتیجه این است که جایی و زمانی را نمی‌توان یافت که خرافات وجود نداشته باشد - چه در میان بومیان آفریقا و چه مردم آمریکا - البته شدت و ضعف خرافات متفاوت است (شاه‌نوشی، ۱۳۸۸: ۱۰۵). خرافه‌پردازی با نادیده‌گرفتن ضوابط عقل فردی و جمعی بشری یا حتی انکار آن، راه را به سوی دالان‌های مهلک خرافه‌پردازی می‌گشاید (وکیلی، ۱۳۸۵: ۹۲) که متأسفانه در میان مردمان کشور ما نیز گرایش به باورهای خرافی سابقه‌ای دیرینه دارد و از گذشته‌های دور استفاده از سحر و جادو برای درمان و حل مشکلات رواج بسیاری داشته است. از آنجا که خرافه‌اندیشی (در حوزه نظر) سامان عقلی را دچار مشکل می‌کند و اعمال خرافی (در حوزه عمل و رفتار) سامان و ساختار زندگی فردی و اجتماعی را به انواع آسیب‌ها و آفات آلوده می‌کند، مطالعه آن از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. ضرورت دیگر خرافه‌پژوهی به‌طور اعم و درباره دانشجویان به‌طور اخص، ضرورت حقیقت‌خواهی و عقل‌محوری انسان برای قدم‌نهادن در راه سعادت و کسب آن است. نباید فراموش کرد توسعه و پیشرفت جامعه با عقاید خرافی و موهوم ممکن نخواهد بود و این عقاید مانعی بر سر راه پژوهش‌ها، فناوری، علم و دانش هستند. متأسفانه باید دانست که چه عواملی سبب شده است دانشجویان کارشناسی ارشدی که از نخبگان جامعه هستند، برای حل مشکلات خود دست به دامن خرافه‌گرایی می‌شوند؛ زیرا مراجعه این قشر تحصیل‌کرده به فال‌بینی و

دعانویسی مثال نقض روشنی برای عدم عقل‌گرایی در جامعه و زمینه‌ساز بروز آسیب‌های اجتماعی در جامعه می‌شود. افزایش خرافه‌گرایی در میان نخبگان دانشگاهی، به‌ویژه دختران دانشگاهی که مادران و پرورش‌دهندگان نسل‌های آینده هستند و نقش راهبردی در توسعه همه‌جانبه دارند، کنش‌های منطقی و عقلانی را با چالش مواجه می‌کند. عقاید خرافی مثل سایر پدیده‌ها از عوامل عدیده‌ای متأثر است. مطالعات خارجی پیشین نشان می‌دهد این عقاید خرافی در میان دانشجویان دختر، افرادی با ضریب هوشی پایین، پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین و دانشجویان تلقین‌پذیر بیشتر است. همچنین عوامل دیگری مانند ناسازگاری عاطفی، توانایی شناختی پایین و تمایل به کنش غیرمنطقی با عقاید خرافی مرتبط است. علاوه‌براین، از دیدگاه پژوهشگران دیگر میان عقاید خرافی و نیاز به سازگاری با شرایط زندگی پیش‌بینی‌ناپذیر رابطه معناداری وجود دارد (استنک، ۲۰۰۴: ۱). عقاید خرافی در ارتباط با خوش‌شانسی، ویژگی‌های شخصیتی، عقاید مذهبی، خودکارآمدی و راهبردهای سازگاری تحلیل شده است؛ برای نمونه ساجز (۲۰۰۴) در مطالعات خود به این نتیجه رسیده است که میزان بالای عقاید خرافی با سطوح پایین خودکارآمدی دانشجویان تحصیلات تکمیلی چین رابطه معنادار دارد. همچنین، نتایج مطالعات دی و مالتبی (۲۰۰۳) نشان می‌دهد اعتقاد به شانس رابطه معناداری با عقاید غیرمنطقی دارد (ساگون و دی کارونی، ۲۰۱۴: ۳۱۹). پیشینه‌های پژوهشی موجود با رویکرد کمی به بررسی خرافه‌گرایی پرداخته‌اند. همچنین بیشتر متغیرهای زمینه‌ای از قبیل جنسیت، تحصیلات، تأثیر سطح دینداری افراد بر خرافه‌گرایی و میزان گرایش افراد به خرافه‌گرایی را سنجیده‌اند و کمتر به رویکرد کیفی در این زمینه اقدام کرده‌اند. براین اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر فهم تجربه زیسته خرافه‌گرایی (فال قهوه، فال کارت، دعانویسی) دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز (مطالعه کیفی) است. در راستای موارد یادشده، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که چرا برخی دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز به عقاید خرافه‌گرایی پیدا می‌کنند.

### پیشینه پژوهش

به‌منظور تبیین پدیده‌های اجتماعی، به‌ویژه پدیده‌های فرهنگی ذهنی که مدنظر پژوهش حاضر است، از رهیافت‌های متعددی استفاده می‌گیرد که یکی از آن‌ها رهیافت متکی بر معانی نمادین

است. جامعه‌شناسی پدیده‌شناختی<sup>۱</sup> و روش‌شناسی مردم‌انگاران<sup>۲</sup> بر تعریف اجتماعی، یعنی نحوه تعریف کنشگران از موقعیت‌ها و عملکردهای آن‌ها بر پایه این تعاریف تأکید می‌کنند (ریتزر<sup>۳</sup>، ۱۳۷۴/۱۹۹۶: ۳۲۶). بر مبنای این رهیافت، جادو و سایر آیین‌های جادویی واجد معنایی هستند که عمل‌کنندگان به آن‌ها برای آن مناسک (در طول زمان) معلوم کرده‌اند. درواقع باورهای خرافی، تنها بعد سطحی و ظاهری است و در پی هر یک از این‌گونه شعائر و باورها، معانی خاصی نهفته است؛ بنابراین برای تحلیل جادو یا اعمالی که گاهی خرافه نامیده می‌شود، باید به معنای رفتار پرداخت (همیلتون<sup>۴</sup>، ۱۳۷۷/۲۰۰۱: ۶۰). براساس این رویکرد، فهم دقیق نهادها و رفتارهای اجتماعی ممکن نیست؛ مگر در پرتو تفسیر دقیق معنای افعال و مراودات اشخاصی که تحقق‌بخش آن افعال هستند (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۸۹-۹۰).

رهیافت انتخاب عقلانی دومین رهیافت قابل‌استفاده در راستای تبیین پدیده خرافه‌گرایی است. این رویکرد در مقام تبیین حوادث اجتماعی معتقد است رویدادها و حوادث، حاصل جمع اعمال افرادی است که براساس محاسبات عقلانی عمل می‌کنند؛ بدین معنا که جادو و سایر آیین‌هایی که ممکن است از نگاه برخی خرافه محسوب شود، فنونی تجربی و عقلانی برای رسیدن به مقصود تلقی می‌شوند؛ بنابراین چنانچه با اعمال، شعائر یا آیین‌های بیگانه و ناشناخته روبه‌رو شویم، نباید در مقام فهم و ادراک آن‌ها دچار کژفهمی و ارزش‌داوری شویم؛ زیرا عمل‌کنندگان به این شگردها به تنها چیزی که توجه دارند، مؤثر بودن یا نبودن آن‌هاست. مردم‌شناسانی مانند تایلر<sup>۵</sup> و فریزر<sup>۶</sup> و جامعه‌شناسانی از قبیل وبر<sup>۷</sup> و پاره‌تو<sup>۸</sup> با درپیش‌گرفتن موضعی عقل‌گرایانه، شناخت و محاسبات عقلانی کنشگر، کنش‌های جادوگرانه را نادیده نمی‌گیرند. از این نظر، باورداشت‌های جادویی و مذهبی تبیین‌های سنجیده پدیده‌ها و شگردهایی برای دخل و تصرف در جهان هستند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۶۳).

1. Phenomenological sociology
2. Ethnographic methodology
3. Ritzer
4. Hamilton
5. E.B. Taylor
6. J. Frazer
7. Max Weber
8. Vilfredo Pareto

از منظر تئوری یادگیری اجتماعی<sup>۱</sup> نیز دلیل رفتارها و اندیشه‌های خرافی، فرهنگ حاکم بر جامعه است که با نفوذ و اثر بر فرد نسل‌ها را متأثر می‌کند. پیروان این تئوری اعتقاد دارند رفتار، با مشاهده رفتار همکاران و به‌ویژه رسانه‌ها و محیط در فرد ایجاد می‌شود و به‌کمک تقویت‌کننده‌هایی مانند تقلیل کشمکش، به‌دست‌آوردن پاداش مالی و پولی، به‌دست‌آوردن تحسین همکاران یا اکتساب عزت‌نفس تقویت می‌شود (فروغی و مقدم، ۱۳۸۸: ۱۷۲-۱۷۳). همچنین، تئوری یادگیری اجتماعی مطرح می‌کند که رفتارهای انحرافی از طریق تعامل و تقلید از مدل‌های نقشی از جمله والدین و همسالان یاد گرفته می‌شود (وان اویتسل و همکاران، ۲۰۱۷: ۲۸۸). طبق نظریه هم‌شکلی اجتماعی<sup>۲</sup> خرافات در اعمال فشارهایی ریشه دارد که از جانب گروه یا یک اجتماع و به‌ویژه از سوی گروه مرجع و همکاران بر فرد وارد می‌آید و در نتیجه آن، افراد خود را ملزم می‌دانند تا در رفتار و عقاید خود تغییراتی ایجاد کنند و با جمع هم‌هنگ شوند (فروغی و عسگری مقدم، ۱۳۸۸: ۱۷۲-۱۷۳).

آخرین رهیافت مدنظر در فهم تجربه افراد به پدیده‌های خرافی که برای بررسی موضوع مورد مطالعه بسیار کاربردی است، رهیافت پدیدارشناسی است. این رهیافت را نخستین بار هگل در سال ۱۸۰۷ در کتاب «پدیدارشناسی روح» به‌کار برد. بنیان‌گذار مکتب پدیدارشناسی، برنتانو<sup>۳</sup> فیلسوف فرانسوی است. شاگرد او هوسرل<sup>۴</sup> تأثیرگذارتر از خود او پدیدارشناسی را تداعی کرد (دارابی، ۱۳۸۸: ۶). پدیدارشناسی از نظر لغوی به معنای شناخت پدیده‌ها از طریق تحلیل آن‌هاست، اما در معنای دقیق‌تر این واژه به حرکتی فلسفی اطلاق می‌شود که با آغازگر آن هوسرل است (دهباشی و آیت‌اللهی، ۱۳۸۸: ۱۴۰) هدف اصلی پدیدارشناسی تقلیل تجارب افراد از یک پدیده به تجمعی از ذات فراگیر<sup>۵</sup> «ماهیت واقعی آن چیز» است. پویشگران داده‌ها را از افرادی که آن پدیده را تجربه کرده‌اند، گردآوری می‌کنند و توصیفی ترکیبی از ذات مشترک آن برای همه افراد ارائه می‌دهند (کرسول<sup>۶</sup>، ۱۳۹۱: ۷۹-۸۰). پدیدارشناسی به جهان،

- 
1. Social Learning Theory
  2. The theory of social uniformity
  3. Brentano
  4. Husserl
  5. Universal essence
  6. Creswell

چنانکه به کمک یک فرد زیسته می‌شود، توجه دارد و معانی را چنانکه در زندگی روزمره زیسته می‌شوند، آشکار کند (شریفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲).

### پیشینه پژوهش

نتایج پژوهش ساگون و دی کارولی (۲۰۱۴) نشان می‌دهد، نوجوانان میزان بالایی از اعتقاد به خرافات و خوش‌شانسی را بیان کرده‌اند. نوجوانانی که در میانه دوره نوجوانی قرار داشتند، معتقد بودند شانس بر وقایع زندگی‌شان تأثیر دارد، اما نوجوانانی که در اواخر دوره نوجوانی قرار داشتند، معتقد بودند وقایع زندگی را تحت کنترل خودشان دارند. همچنین کمتر خرافاتی بودند و کمتر موفقیت خود را نسبت به نوجوانان میانی به خوش‌شانسی نسبت می‌دادند. نتایج حاصل از این داده‌ها را می‌توان به توسعه بلوغ شناختی کاربردی برای غلبه بر تفکر جادویی که در دوران کودکی وجود دارد، نسبت داد. در این پژوهش، فرضیه خرافاتی بودن دخترها در مقایسه با پسرها تأیید نشد. هائوتسی (۲۰۱۵) در پژوهش خود به بررسی معنای مثبت و منفی اعداد و ترکیب اعداد در میان چینی‌ها می‌پردازد و نشان می‌دهد هنوز بیشتر چینی‌ها به این باور اعتقاد دارند. بیشتر چینی‌ها عدد ۸ را ترجیح می‌دهند؛ زیرا صدای ۸ معنای مثبت مانند نیکبختی را به ذهن چینی‌ها تداعی می‌کند؛ در حالی که عدد ۴ معنی منفی مثل معنای مرگ برای آن‌ها دارد. عدد ۱۳ براساس تفاوت‌های فردی در میان چینی‌ها پذیرفته است و برای برخی قابل قبول نیست. آن‌ها از ترکیب اعداد دوپهلوی مانند ۸۸ یا ۹۹ استقبال می‌کنند و اعداد ترکیب‌شده مانند ۱۳۱۴ را ترجیح نمی‌دهند. براساس یافته‌های این پژوهش، این باورها هم در جوامع باستان و هم در جوامع مدرن وجود داشته است. براساس پژوهش جی‌زب و سی‌مور (۲۰۰۱) زنان بیشتر از مردان به خرافات گرایش دارند. براساس یافته‌های پلتزر (۲۰۰۲) نیز دانشجویان کمتر از دانش‌آموزان خرافاتی و زنان بیشتر از مردان خرافاتی هستند. همچنین میان عقاید مذهبی سنتی و داشتن افکار جادویی رابطه ضعیف، ولی معناداری وجود دارد. در پژوهش آروین (۱۹۸۵) این نتیجه به دست آمد که هرچه دینداری بیشتر باشد، گرایش به خرافات نیز بیشتر می‌شود. بوخاری و همکاران (۲۰۰۲) خرافات مربوط به مسائل بهداشتی را

در میان گروه‌های قومی مختلف بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که ۷۳ درصد مردم پیرامون مسائل بهداشتی عقاید خرافی دارند و تحصیلات با خرافات رابطه معکوس دارد. گریفتس و بینگهام (۲۰۰۳) در بررسی عقاید خرافاتی میان بازیکنان بینگو به این نتیجه رسیدند که زنان از مردان خرافاتی‌تر و همچنین بازیکنان مسن‌تر گرایش بیشتری به خرافات دارند (فروغی و مقدم، ۱۳۸۸: ۱۶۶-۱۶۷). نتایج پژوهش‌های آدرنو<sup>۱</sup> نشان می‌دهد ه افراد فوق‌العاده متعصب، خرافاتی‌تر از افراد دیگرند و این نکته با زمینه خانوادگی این افراد منطبق است؛ بدین معنا که محیط خانوادگی آن‌ها، محیطی بود که انضباطی خشن و تهدیدگر بر آن حاکم بود؛ محیطی که در آن والدین کنترل انعطاف‌ناپذیری را اعمال می‌کردند و کسی اجازه چون و چرا در آن نداشت. چنین وضعی مشوق به وجود آمدن این باور است که سرنوشت آدمی در دست نیروهای خارجی ناشناخته‌ای است که شخص کنترلی بر آن‌ها ندارد. یافته‌های این مطالعه، بیانگر این است که بیشتر افراد به شدت متعصب، از نظر طبقه اجتماعی و سطح تحصیلی و ضریب هوشی به رده‌های پایین تعلق دارند. البته این‌ها نیز احتمالاً از عوامل زمینه‌ساز بوده‌اند (جاهودا، ۱۳۷۱: ۲۴۵-۲۴۶). مارش<sup>۲</sup> (۱۹۵۶) نیز معتقد است، میان سطح تحصیلات و سرنوشت‌گرایی رابطه‌ای معکوس وجود دارد؛ یعنی هرچه سطح تحصیلات فرد بالاتر باشد، میزان سرنوشت‌گرایی وی کمتر می‌شود (نیازی و شفائی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۲۶). بل و هترلی<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) با روش کیفی به مطالعه تقدیرگرایی در بین زنان نابارور پرداختند که یافته‌های آن‌ها نشان داد؛ زنان طبقات متوسط براساس امکاناتی که در اختیار دارند، معمولاً بعد از به‌کارگرفتن همه امکانات در دسترس و کارساز نبودن آن‌ها به تقدیرگرایی پناه می‌برند؛ به‌ویژه زنان طبقات پایین در مراحل اولیه. زنان سیاه‌پوست که معمولاً از طبقات پایین هستند، کمتر به سمت درمان تمایل نشان می‌دهند. دلیل این امر نه تقدیرگرایی، بلکه سابقه تاریخی سوءاستفاده‌های علم پزشکی از سیاه‌پوستان است. زنان سیاه‌پوست با تقدیرگرایی سعی می‌کنند؛ کنترل خود بر سرنوشت خود را به دست بگیرند.

در بررسی سابقه موضوع، مشاهده شد که در ایران پژوهش‌های گسترده و عمیقی درباره

1. Adorno
2. Marsh
3. Bell and Hetterly

موضوع خرافات در ایران به انجام نشده است. به عنوان نمونه، از کارهای انجام شده می توان به پژوهش جان عزیزاده چوببستی و همکاران در سال ۱۳۸۸ اشاره کرد. آن ها در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که گرایش دانشجویان دختر نسبت به پسران و دانشجویان دوره کارشناسی نسبت به دانشجویان ارشد و دکترا بیشتر است. همچنین میان میزان دینداری با میزان گرایش به خرافه گرایی همبستگی مستقیم و معناداری وجود دارد. در پژوهشی که فروغی و عسگری مقدم (۱۳۸۸) انجام دادند؛ دریافتند که هر آنچه گرایش به جامعه مدرن داشته باشد (از نوع مشاغل گرفته تا محیط سکونت و تولد و تحصیلات و سطح آگاهی خانواده و ...) به نحوی با مفاهیم مرتبط با خرافه گرایی در تضاد است. کاشانی (۱۳۷۸) به این نتیجه رسید که اعتقاد به عقاید جادویی چه به عنوان عامل بیماری و چه به عنوان عامل درمان در مردان به طور فراوانی بیشتر بوده است. اعتقاد به عقاید جادویی در گروه ۴۱-۵۰ سال بیشتر از گروه کمتر از ۲۰ سال بوده و در گروه بی سوادان بیشترین و تحصیل کرده ها کمترین میزان اعتقاد به عقاید جادویی مشاهده شد. مسعود سپهر (۱۳۸۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که در زمینه مسائل دینی خرافات زیادی در جامعه وجود دارد.

### روش شناسی پژوهش

در این مطالعه، با عنایت به موضوع پژوهش (خرافه گرایی) از رویکرد پدیدارشناسی استفاده شده است؛ زیرا این رویکرد با توجه به اصول هستی شناختی خود تا حد امکان بر تجربه های دست اول یا تجربه های زیسته متمرکز می شود و از پرداختن به موضوعات ثانویه خودداری می کند. دریافت تجربه های دست اول یا تجربه زیسته تنها به کمک مصاحبه با افرادی صورت می گیرد که خود این تجربه را داشته اند (حسینی و ایزدی، ۱۳۹۵: ۵۲). پدیدارشناسی مطالعه تجربه زیسته یا جهان زندگی است. توجه پدیدارشناسی به جهان چنان است که به کمک یک فرد زیسته می شود نه جهان با واقعیتی که چیزی جدای از انسان باشد؛ بنابراین این پرسش را مطرح می کند که «تجربه زیسته چه نوع تجربه ای است؟» زیرا پدیدارشناسی می کوشد معانی را چنانکه در زندگی روزمره زیسته می شوند، آشکار می کند (امامی سیگارودی و همکاران،



۱۳۹۱: ۵۷)؛ بنابراین با عنایت به اینکه در این پژوهش محقق به دنبال توصیف تجارب افراد از خرافه‌گرایی است، از رویکرد پدیدارشناسی استفاده شده است.

## میدان پژوهش

### حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه یا میدان مورد مطالعه در این پژوهش، شامل دانشجویان دختر مقطع ارشد دانشگاه تبریز است که حداقل دو بار در یک سال اخیر، یعنی در فاصله زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ به فال‌بین مراجعه کردند.

نمونه‌گیری در پژوهش کیفی سعی در تعیین گروه‌های ویژه‌ای از مردم دارد که ویژگی‌هایی دارند، یا در موارد مشابهی از پدیده اجتماعی مورد پژوهش زندگی می‌کنند (جلالی، ۱۳۹۱: ۳۱۱). حجم نمونه در روش کیفی مانند روش‌های کمی از پیش تعیین شده و مشخص نیست و به روند پژوهش و مقولات در حال تکوین بستگی دارد. در بررسی‌های کیفی می‌توان از دو نوع نمونه‌گیری به صورت هم‌زمان استفاده کرد. این دو نوع نمونه‌گیری عبارت‌اند از نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری. از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود (صادقی فسایی و ایثاری، ۱۳۹۱: ۱۰). نمونه‌گیری نظری عبارت است از فرایند گردآوری داده‌ها برای نظریه‌پردازی که به کمک آن تحلیلگر هم‌زمان داده‌هایش را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعدی گردآوری و آن‌ها را کجا بیابد تا نظریه‌اش را در حین شکل‌گیری‌اش تدوین کند. نظریه در حال تدوین فرایند گردآوری داده‌ها را کنترل می‌کند (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۳۸). از سوی دیگر، حجم نمونه در مطالعات کیفی به سطح اشباع داده‌ها بستگی دارد و به مرحله‌ای از گردآوری داده‌های کیفی اطلاق می‌شود که پاسخ‌های داده‌شده به پرسش‌های پژوهش یا مصاحبه‌های انجام‌شده کافی به نظر می‌رسند؛ زیرا داده‌های گردآوری‌شده از راه مصاحبه، مشابه و تکراری می‌شوند (صادقی فسایی و ایثاری، ۱۳۹۱: ۱۱). در پژوهش حاضر، مصاحبه‌ها تا رسیدن به مرحله اشباع ادامه یافته و از تاریخ ۱۳۹۵/۲/۱۴ آغاز و در روز ۱۳۹۵/۲/۲۶ خاتمه

یافته است. در این پژوهش، مصاحبه‌های انجام‌شده ۱۶ مورد بوده است. به این نحو که بعد از ۱۶ مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد و مفاهیم و مقولات جدیدی از مصاحبه‌ها به دست نیامد. زمانی که اشباع نظری در داده‌ها حاصل شد، فرایند جمع‌آوری اطلاعات پایان یافت. بعد از اتمام مرحله جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه‌ها بارها با دقت مطالعه و بازبینی شد. سپس کدگذاری از متن آن‌ها صورت گرفت و هریک از کدگذاری‌ها، در یکی از مقوله‌ها و تم‌ها قرار داده شد.

### توصیف ویژگی‌های نمونه

حجم نمونه پژوهش حاضر ۱۶ نفر است که ویژگی مشترک همه آن‌ها در مقطع تحصیلی و جنسیت آن‌هاست؛ زیرا این افراد در مقطع ارشد مشغول به تحصیل بودند و جنسیت همه آن‌ها زن بود. فاصله سنی مصاحبه‌شوندگان نیز ۲۴-۳۲ سال است. از نظر وضعیت تأهل ۳ نفر از آزمون‌شوندگان متأهل و ۱۳ نفر آن‌ها مجرد بودند. ۱۲ نفر از آزمون‌شوندگان در رشته‌های علوم پایه و ۴ نفر از آن‌ها در رشته‌های علوم انسانی تحصیل می‌کردند.

### بحث و یافته‌ها

بعد از اتمام فرایند مصاحبه‌ها و اجرای داده‌ها، کدگذاری و تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش هفت مرحله‌ای کلایزی<sup>۱</sup> انجام شد. در گام دوم پژوهشگر پس از استخراج عبارات مهم و معنادار متن، معانی استخراج‌شده را در قالب مقوله یا تم تنظیم کرد. پس از طبقه‌بندی کدها در گام پنجم، کدهای مربوط به مفاهیم مرتبط به هم دسته‌بندی و در زیردسته یا زیرمفهوم‌های مرتبط به هم قرار گرفت. در گام ششم، به روش کلایزی همه مفاهیم دسته‌بندی‌شده براساس هدف پژوهش، تقسیم‌بندی و ساختار اساسی پژوهش مشخص شد. در گام آخر، نتایج به شرکت‌کنندگان برگردانده شد تا توصیفات پژوهشگر را با تجارب خود مقایسه کنند (فتحی‌آذر و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۲). نتایج مصاحبه‌های عمیق نشان می‌دهد شرایط اجتماعی جامعه، از جمله حاکمیت نظام مردسالاری در ساختار اجتماعی جامعه، گسست اهداف و راه‌های قانونی رسیدن به آن‌ها در جامعه از عوامل مؤثر بر گرایش زنان، به‌ویژه دانشجویان ارشد برای مراجعه به طالع‌بینی است.

1. Colaizzi

## پیشینه خانوادگی (تجربه آموخته شده)

دقت در یافته‌های مصاحبه نشان می‌دهد، باورهای خرافه و گرایش به فال‌بینی بیشتر دانشجویان ریشه در جامعه‌پذیری خانوادگی آنان دارد. مادرانی که سابقه مراجعه به فال‌بینی و دعانویسی دارند، فرزندان و به‌ویژه دختران نیز به‌دلیل آموزش، گرایش به باورهای خرافه در آن‌ها نهادینه می‌شود و سعی می‌کنند در زمانی که مشکلی بروز می‌کند براساس تجربه آموخته‌شده به فال‌بین مراجعه کنند. رابینسون<sup>۱</sup> معتقد است نگرش‌ها به خود و همکاران در خانواده شکل می‌گیرد و هر شخصی در خانواده دیدگاهی به جهان دارد که به‌نوعی چارچوبی برای وی فراهم می‌آورد تا بتواند هر اتفاقی را تفسیر کند (نیازی و شفائی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۲۹). هیگن (۱۹۶۲) اعتقاد دارد نقطه‌های آغازین تربیت و اجتماعی‌شدن کودک نقش زیادی در رفتار آینده او دارد؛ به‌گونه‌ای که ممکن است مانع نوآوری یا پذیرش آن شود (وحیدا و نیازی، ۱۳۸۳: ۱۲۴). بریم<sup>۲</sup> (۱۹۶۶) نیز معتقد است جامعه‌پذیری مفهومی نشئت‌گرفته از جامعه‌شناسی است که به فرایند واردشدن به یک زمینه اجتماعی و کسب دانش، مهارت‌ها و رفتار به‌منظور کنش و بودن به‌عنوان عضوی از آن مجموعه اشاره دارد (دینگلر و اینکل، ۲۰۱۶: ۵). اساس جامعه‌پذیری فرایند جذب، انباشت، بازتولید و انتقال تجارب فردی و اجتماعی است که در قالب همه ارزش‌های ممکن نمایش داده می‌شود. براساس رویکرد شامینو<sup>۳</sup> ساختار تعیین‌کننده جامعه‌پذیری، سیستم تعیین‌کننده‌های بیرونی (هنجارها، سنت‌ها، انتظارات، شرایط زندگی واقعی متأثر از جامعه‌پذیری نهادها و عامل‌ها) و تعیین‌کننده‌های درونی (ویژگی‌های فردی، ارزش‌ها، صفات شخصی و شناخت‌ها) است (کاپوزتینا، ۲۰۱۶: ۷۹). داده‌های حاصل از متن مصاحبه‌ها نشان می‌دهد، مادرانی که سابقه مراجعه به فال‌بینی و دعانویسی دارند، فرزندان و به‌ویژه دختران نیز به‌دلیل آموزش گرایش به باورهای خرافه در آن‌ها نهادینه می‌شود و سعی می‌کنند در زمانی که مشکلی بروز می‌کند، براساس تجربه آموخته‌شده به فال‌بین مراجعه کنند.

م. ح، ۲۵ ساله می‌گوید:

«خواهرام خیلی می‌رن. وقتی من می‌رفتم، خواهرام رو هم از فال‌بین

- 
1. Robinson
  2. Brim
  3. Shamionov

می‌پرسیدم. مادرم هم به دعانویس اعتقاد داره و یه کوچولو خرافاتی‌تره و چون مسن‌تره، خیلی اعتقاد داره.»

ن. خ، ۳۲ ساله می‌گوید:

«برای اولین بار همراه با خانواده خودم رفتیم. مامانم برخی اوقات

دعانویسی می‌ره، اما با خواهرم خیلی می‌ریم.»

پ. م، ۲۵ ساله می‌گوید:

«تو خانواده ما هر مشکلی پیش بیاد، سعی نمی‌کنن منطقی فکر کنن که راه

حلی پیدا بکنن و مشکلی پیدا می‌شه، می‌رن پیش دعانویس.»

ن. الف، ۲۴ ساله در این باره می‌گوید:

«من دیدم مامانم، مامان‌بزرگم پیش اون می‌ره. دایی مامانم پیش اون می‌ره،

من هم می‌رم.»

آنچه در گرایش به باورهای خرافه‌گرایی در میان دانشجویان به‌عنوان متغیر زمینه‌ساز محسوب می‌شود، تجربه آموخته‌شده است که افراد براساس آنچه در طول زندگی خود از طریق والدین می‌آموزند، عمل می‌کنند.

### فشار اجتماعی

کدگذاری یافته‌های مصاحبه نشان می‌دهد، فشار اجتماعی نقش مهمی در گرایش به مراجعه به فال‌بینی دارد؛ از این‌رو برخی مجموع تأثیرات نهان و آشکار، مستقیم و غیرمستقیمی که محیط اجتماعی بر افرادی را که در آن زندگی می‌کنند، اعمال می‌دارد فشار اجتماعی می‌داند؛ یعنی نیرویی که در جامعه یا گروه فی‌نفسه به چشم می‌خورد و اعضا را به پذیرش رفتار و سلوکی منطبق با الگوهای کلی مسلط، اندیشه‌های مکتسب، گروه و عادات پذیرفته‌شده وامی‌دارد (سخاوت، ۱۳۸۰: ۳)؛ بنابراین براساس یافته‌های مصاحبه، دوستان دانشگاهی، همسایه‌ها و آشنایان نقش مهمی در مراجعه آنان به فال‌بینی دارند.

ع. ن، ۲۴ ساله می‌گوید:

«خیلی مشتاق بودم و همسایه‌ها گفتند حرفاش درسته و ما تمایل پیدا

کردیم که بریم پیش فال‌بین.»

پ. ز، ۲۴ ساله می‌گوید:

«اولش اعتقاد نداشتم. یکی از آشنایان گفت که خوبه و خیلی پیش‌بینی

هاش درسته این فال‌بینه و من رفتم.»

ل. ر ۲۴ ساله می‌گوید:

«به زور دوستای دانشگاهیم به فال‌گیر مراجعه کردم.»

### ساختار مردسالارانه جامعه

تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد، یکی از متغیرهای مؤثر و زمینه‌ساز باورهای خرافی در میان دانشجویان آن است که ساختار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه تحت حاکمیت مردسالاری است. مفهومی که در آن مردان قدرت و حاکمیتی فراوان به زنان دارند. بدنه اجتماعی جامعه تحت سیطره کامل مردسالاری است و این می‌تواند با شاخص توسعه انسانی که در آنان زنان نیز از حقوق اجتماعی برابر و عادلانه‌ای برخوردار باشند، مغایرت داشته باشد؛ زیرا در نظام مردسالارانه مردان سهم بیشتری از مزایای اجتماعی، مانند قدرت، ثروت و احترام برخوردارند و زنان در چنین نظامی اختیارات محدودی دارند. آزادی عمل و اختیار کمتر سبب می‌شود آنان اراده‌ای در عمل نداشته باشند و زمانی که مختار نباشند، سرنوشت‌گرایی و قبول آنچه از قبل نوشته شده است می‌پذیرند و حوادث را به نیروهای ماورالطبیعه که خارج از دسترس بشری است موکول کنند.

ع. ن، ۲۴ ساله می‌گوید:

«پدرم اصلاً راضی نیست که من هنوز ازدواج کنم و من هم دیگه هیچ

حرفی نمی‌زنم؛ چون تو خونه ما تنها حرف آخر را پدرم می‌زنه، حتی اگر من

از کسی خوشم بیاد اصلاً نمی‌تونم حرفشو بزنم.»

م. ح، ۲۵ ساله می‌گوید:

«در کل خانوادمون پدرسالاریه و هرچی که اون بگه همون می‌شه.»

ل. ر، ۲۴ ساله می‌گوید:

«از هر نظر برای ازدواج پدرم اجازه باید بده، برای شغل شوهر، قدرت

انتخاب خانما نسبت به آقایون کمه. خانما اکثراً افراد دیگه هستند که براشون

تصمیم می‌گیرند. سطح سواد خانما در قدیم نسبت به آقایان کمتر بود. از زمان قدیم پدرشون گفته با کی ازدواج کنه و از اینکه قدرت انتخابشون نبود می‌رن سراغ کسی که براشون تصمیم بگیره...»

آدرنو در شخصیت استبدادی معتقد است افرادی که پدرانی کناره‌گیر، سخت‌گیر و تنبیه‌کننده داشته‌اند و والدین آن‌ها از تنبیه بدنی زیاد یا تهدید به تنبیه بدنی استفاده کرده‌اند، گونه و ویژه‌ای از شخصیت پیدا می‌کنند که مرسوم به استبدادی است. این افراد به‌طور خاص از درون‌نگری، تأمل و تعقل، اندیشه و تفکر و خیال‌پردازی پرهیز می‌کنند و به عوامل و تعیین‌کننده‌های اسرارآمیزی برای تأثیر در سرنوشت خود اعتقاد دارند (نیازی و شفائی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۳۱).

### بی‌هنجاری

یکی از مهم‌ترین دلایل مراجعه آموزشی‌ها برای فال‌بینی براساس تحلیل مصاحبه‌ها این است که آن‌ها آینده خود را درحالی‌که در مقطع ارشد تحصیل می‌کنند، پر از ترس و ابهام می‌دانند و در نتیجه سراغ پیش‌گو می‌روند تا آینده را برای آنان حل‌جی کند و در صورت نیاز دعایی برای یافتن شغل مناسب بنویسد. این شرایط با نظریه اهداف و وسایل مرتون که می‌گوید علتی که ما در جوامع شاهد و ناظر جرائم هستیم، به این دلیل است که در آن جامعه میان اهداف قانونی و مشروع و وسایلی که برای رسیدن به آن هدف مشروع باید وجود داشته باشد (وسایل قانونی) تناسب وجود ندارد. هرگاه جامعه برای رسیدن به هدف‌ها از راه‌های نهادی شده حمایت کافی نکند، در چنین حالتی بخش‌هایی از جامعه رسوم و عادات دیگری را برمی‌گزینند. وقتی راه‌های نهادی شده رها می‌شوند، افراد ممکن است از میان راه‌های جدید راه‌هایی را انتخاب کنند که سریع‌تر و راحت‌تر آن‌ها را به هدف برسانند. در چنین وضعیتی، وحدت عناصر تشکیل‌دهنده ساخت سست می‌شود و حالت بی‌هنجاری (آنومی) پدید می‌آید (سنخاوت، ۱۳۸۰: ۵۱). مسنر و روزنفلد<sup>۱</sup> بر این باورند که آنومی به دلیل ضعف نهادهایی مانند خانواده و آموزش پرورش توسعه می‌یابد که باید تأکید افراطی بر موفقیت‌های مالی کنترل شود و به جای آن، این نهادها ناقل ارزش‌ها باشند. در جوامعی با سلطه نهادهای مالی، رسیدن به موفقیت از سوی ارزش‌های فرهنگی تشویق می‌شود. چهار ارزش فرهنگی که در این جوامع بر آن‌ها تأکید می‌شود، شامل

گرایش به موفقیت، فردگرایی، عام‌گرایی و فیتیشیسم پولی است. اولین سازه به رؤیای موفقیت اشاره دارد. این معیاری است که هرکس با آن ارزیابی می‌شود. در واقع، چگونه برنده‌شدن مهم نیست؛ برنده‌شدن (به هر طریقی) مهم است (خدری و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۴۶).

م. ح، ۲۵ ساله می‌گوید:

«به آینده تحصیلی و شغلی‌ام زیاد امیدوار نیستم و امیدی ندارم که شغل مناسب گیرم بیاد. حتماً می‌رم تا یه دعایی بنویسه و یه کار خوب گیرم بیاد. به بستر جامعه برای موفقیت نیم درصد هم امیدوار نیستم.»

ز. م، ۲۷ ساله می‌گوید:

«اون زمان هم خیلی دنبال کار می‌گشتم و تنها آرزوی مقطعی‌ام این بود که هم فوق‌لیسانس قبول بشم، هم یه شغل داشته باشم. پیش فالگیر که رفتم، بیشتر پیش فال‌بین که می‌رم همیشه می‌پرسم که آیا من به شغل ثابت و دولتی می‌رسم یا نه.»

#### احساس ناتوانی

تحلیل متن مصاحبه‌ها نشان می‌دهد مهم‌ترین دلیلی که مصاحبه‌شوندگان از مراجعه به فال‌بینی بیان کردند، نداشتن قدرت حل مسائل و مشکلات زندگی خود است که از آن می‌توان به‌عنوان عامل روان‌شناختی اجتماعی تأثیرگذار بر این پدیده قلمداد کرد. زمانی که انسان‌ها به مشکلی در زندگی برخورد می‌کنند، از تمام امکانات اجتماعی موجود در حل مسئله کمک می‌گیرند. درحالی‌که در جوامع سنتی، باورهای سنتی حاکم بر عقاید افراد و مسائل و روابط انسانی است. آن‌ها بر این باورند که حوادث و رویدادها تحت کنترل نیروی‌های ماورالطبیعه و چیزی غیر از کنترل انسانی است. بی‌تردید افراد چنین می‌پندارند که حل مشکلاتشان نیز تحت کنترل خودشان نیست و راه‌حل مشکلات خود را درون باورهای سنتی جست‌وجو می‌کنند.

م. خ، ۳۲ ساله می‌گوید:

«یه مشکلی داشتم رفتم برای فال‌بین. برا بخت‌گشایی هم رفتم و نتیجه هم داد. وقتی نمی‌دونم راه‌حل مشکلم چیه، می‌رم سراغ فال‌بین، وقتی یه خواستگاری داشتم می‌رفتم ببینم می‌شه یا نمی‌شه؟»

پ. م، ۲۵ ساله می‌گوید:

«من مریض بودم، از نظر روحی خیلی مریض بودم، بعد احساس می‌کردم به یک ایمان قوی نیاز دارم. برای همین به هر دری زدم به هر شیخی که می‌رسیدم می‌خواستم برام دعا کنند که خوب بشم. کلاً برای بیماریم بود؛ یعنی چندین بار مراجعه کردم؛ مثلاً شیخایی که ما داشتیم تو شهر خودمون برای بیماری من هیچ‌کدوم مؤثر نبودند.»

ن. الف، ۲۴ ساله می‌گوید:

«به کاری که می‌خواستم بکنم، دو دل بودم براش. نمی‌دونستم آخرش چی می‌شه. به دلیل همین رفتم تقریباً مطمئن بشم. بین فال برا من مثل یه ریش سفید بود. این جورى بهت بگم که می‌رفتم پیشش ازش می‌پرسیدم من چیکار کنم. اون به من می‌گفت. الان اگه اون نباشه، من تنها می‌شم. دودلم دیگه. با فال بینه راحت‌تر تصمیم می‌گیرم اون موقع.»

گروهی از پژوهشگران یکی از عوامل مهم پیدایش و رشد خرافات را جهل و خامی بشر می‌دانند و معتقدند: به هر اندازه که انسان از درک حقایق، رابطه منطقی پدیده‌ها، قانون علت و معلول، تشخیص و فهم واقعیات عاجز باشد، به همان نسبت دچار خرافات و خرافه‌پرستی می‌شود (صادقی، ۱۳۷۵: ۲۴).

نمونه مصاحبه‌های بیان شده گویای آن است که افراد، عاملیت خود در حل مشکل را ناتوان و ضعیف می‌دانند؛ زیرا هر چقدر اعتماد به نفس افراد پایین‌تر باشد، افراد اراده و اختیاری در حل مسائل خود ندارند و خود را در برابر نیروی ماورالطبیعه بسیار ناچیز می‌دانند و تلاشی از خود نشان نمی‌دهند و تنها تابع محض باورهای خرافه‌گرایی می‌شوند.

### تقدیرگرایی

یکی از عمده پیامدهای منفی خرافه‌گرایی در نگرش فرد مراجعه‌کننده، پذیرش بی‌چون و چرای تقدیرگرایی<sup>۱</sup> است. تقدیرگراها نقش اراده انسانی را هیچ می‌انگارند و به نحوی یک‌جانبه بر عوامل بیرونی یا اراده الهی تأکید می‌کنند؛ مانند تایلور (۱۹۶۲) که از طرفداران



تقدیرگرایی است. به اعتقاد وی تا شرایط ضروری وقوع واقعه‌ای فراهم نشود، واقعه‌ای رخ نمی‌دهد. بدین ترتیب تا زمانی که شرایط ضروری وقوع رخدادی محقق نشده باشد، وقوع آن در توان و اراده هیچ عاملی<sup>۱</sup> نیست. انسان هر چقدر هم که مهارت داشته باشد تا شرایط مساعد رخ ندهد، توان انجام کاری را ندارد. این ناتوانی هم به وقایع تاریخی و گذشته و هم به وقایع آینده مربوط است که از اراده انسان خارج است. از دیدگاه الدر (۱۹۶۶) تقدیرگرایی یک نگرش است. نگرشی که طی آن، فرد خود را برای تأثیرگذاری بر رویدادهای زندگی‌اش بی‌قدرت معنا می‌کند. نگرشی که عوامل تعیین‌کننده رویدادها را عواملی می‌داند که فرد بر آنها نفوذ اندکی دارد. اگر انسان بپذیرد نفوذ کمی بر رویدادها دارد، این پذیرش درست و طبیعی و عادلانه است (صداقت‌زادگان، ۱۳۹۳: ۳۲). این امر سبب می‌شود، افراد همه امور و پدیده‌ها در حیات اجتماعی خود را به کارکرد نیروها و عوامل ماوراءالطبیعه و متافیزیکال<sup>۲</sup> نسبت دهند که براساس آن انسان موجودی ناتوان و با قابلیت‌های محدود است که در نقش بازی‌هایش در جهان پیرامونی و امور و وقایع زندگی به تصور آمده است. همچنین درک او درباره ناتوانی‌ها و محدودیت‌هایش سبب می‌شود به نوعی احساس بی‌قدرتی گرفتار آید و به ناتوانی‌اش درباره شناخت علل وقایع و پدیده‌ها، پیش‌بینی وقایع در زندگی و کنترل آینده باور پیدا کند (نیازی و مقدم، ۱۳۹۳: ۱۲۵). به هر حال تقدیرگرایی عبارت است از پذیرش بی‌چون و چرای وقایع و تسلیم در برابر آنها، منبعث از این اندیشه که وقایع خارج از حیطه تسلط انسانی قرار دارد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۸۰). مسلم این است که در تقدیرگرایی فرد بر این باور است که آینده و محیط اجتماعی در کنترل وی نیست و تقدیر و سرنوشت یا شانس، وضعیت و آینده هرکسی را رقم می‌زند (نیازی و شفائی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۲۴).

پ. م، ۲۵ ساله در این رابطه می‌گوید:

«یه چیزی رو پیش‌بینی می‌کنه، بعد یهویی اتفاق می‌افته و تو می‌ذاری پای فال و مسئله رو ولش می‌کنی و دنبال راه‌حل منطقی نمی‌گردی و تلاش نمی‌کنم و می‌گم تلاش کنم هم درست نمی‌شه؛ چون فال‌بینه گفته و درست نمی‌شه.»

---

1. Agent  
2. Metaphysical

ن. الف، ۲۴ ساله می گوید:

«نمی‌دونستم آخرش چی می‌شه. به همین دلیل رفتم تقریباً مطمئن بشم. فال‌بین راه میان‌بُره. حتی یکی از فالگیرا آینده‌ دور رو گفت، دقیقاً برام اتفاق افتاده دیگه.»

ع. ن ۲۴ ساله می گوید:

«آینده رو بدونم و کسی که آینده‌مو دقیق بگه و اگه قراره اتفاق بدی بیفته، قبلش خبردار بشم، اینکه آینده‌ام چه جور می‌شه و آینده‌مو خوب رقم بزنم قبل اینکه اتفاق بدی بیفته.»

### وابستگی فکری

وابستگی فکری دیگر پیامد منفی خرافه‌گرایی است که سبب می‌شود افراد در حل مسائل و مشکلات زندگی به دیدگاه‌ها و راه‌حل‌های فال‌بینان متکی شوند و قدرت تصمیم‌گیری و توانایی حل مسئله را به آنان واگذار کنند. در این حالت، افراد بدون کوچک‌ترین اندیشه‌ عاقلانه‌ای تنها به نظر آنان در حل مسئله بسنده می‌کنند. در نتیجه چنین افرادی حتی در کوچک‌ترین مشکلات بدون نظر فال‌بین نمی‌توانند تصمیم‌گیری خاصی را داشته باشند. در این حالت، فرد در تمام عرصه‌های زندگی، به فردی با اعتمادبه‌نفس پایین که هیچ‌گونه توانایی در حل مشکلات خود ندارد، تبدیل می‌شود. براساس نتایج مصاحبه، بیشتر آزمودنی‌ها در حل مشکل خود نظر فال‌بین را در اولویت انتخابی خود قرار می‌دهند. مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که مراجعه به فال‌بین اعتیاد و وابستگی فکری می‌آورد.

پ. ز، ۲۴ ساله می گوید:

«زیاد می‌رم، برام یه جور اعتیاد میاره و دوست دارم هی برم و تنبلم می‌کنه و دیگه اختیارمو از دست می‌دم.»

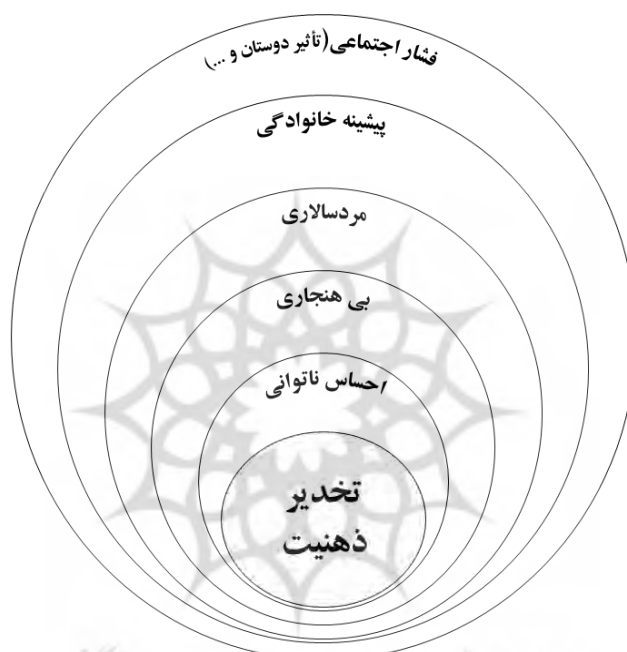
ف. ر، ۲۵ ساله می گوید:

«تاروت رو دوبار رفتم، ولی قهوه را ماهی یک‌بار می‌رم. اوه خیلی ناراحت می‌شم. دیگه وابسته شدم. بیشتر تصمیماتمو فال تأثیر داشت خوب. تنها می‌شم انگار.»

### ماتریس شرطی

بعد از اتمام مقوله‌بندی مصاحبه‌ها، متغیرهای تأثیرگذار بر پدیده خرافه‌گرایی و پیامدهای منفی آن تعیین شد. متغیرهایی که بر خرافه‌گرایی دانشجویان دختر کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز تأثیرگذار بودند عبارت‌اند: از فشار اجتماعی دوستان و خویشاوندان، تجربه آموخته‌شده والدین، ساختار مردسالاری حاکم بر جامعه، بی‌هنجاری و احساس ناتوانی. براساس مقایسه مصاحبه‌ها، ماتریس شرطی تهیه و تنظیم شده است. مفهوم اساسی که در این پژوهش براساس مقایسه متغیرها به آن دست‌یافته شد، تخدیر ذهنیت است؛ بدین معنا که ذهنیت انسان‌ها مانند دیگر موجودات براساس عادت و شرطی‌پذیری عادات شکل می‌گیرد. تخدیر ذهنیت در بیان کلی به معنای شرطی‌شدن ذهن است. در این مقاله، براساس متغیرهای تأثیرگذار در شکل‌گیری خرافه‌گرایی و تمایل فرد به خرافه‌گرایی و خرافه‌پذیری می‌توان این‌گونه بیان کرد که افراد با انگیزه‌های متفاوتی به این عمل گرایش پیدا می‌کنند، اما همه این افراد در رسیدن به نتیجه‌ای که آن‌ها را به سکون ذهنی و آرامش ذهنی برساند، مشترک هستند؛ یعنی ذهن و مغز انسان که پیچیده‌ترین سیستم عصبی مغزی در میان حیوانات و پستانداران را دارد؛ از این‌رو از قدرت شرطی‌پذیری بسیار بالایی نیز برخوردار است. خرافه‌گرایی در طیف‌های متفاوت و با شدت‌های گوناگون در هر جامعه انسانی شکل می‌گیرد، اول اینکه در موارد حاد که فرد هرگونه تصمیم و فعالیت روزمره خود را از نگاه خرافه و فال می‌نگرد، موضوع فرق می‌کند. افرادی که به این کار به شکل ذهنی شرطی شده‌اند، بیشتر به فالگیر مراجعه می‌کنند و دوم اینکه فرد از نظر نبود اعتمادبه‌نفس هر تصمیم خود را از منظر فال‌گیر و فال‌نویس تفسیر می‌کند؛ بنابراین تکرار و مداومت مراجعه و حل مسئله از سوی فالگیر، ذهن او را شرطی می‌کند؛ یعنی مغز او در حضور ماده تلقینی (القائات ذهنی) با القائات، افعال و ادعیه‌های فال‌بین توان فعالیت پیدا می‌کند؛ یعنی ذهن این فرد به اطلاعات مخدري وابسته است که در حضور این اطلاعات و القائات ذهنی، فرد مراجعه‌کننده تخدیر می‌یابد. باید این اطلاعات مخدر باشد تا ذهن او به کار بیفتد؛ پس با القائات و حرف‌های فال‌بین ذهن این فرد تخدیر می‌یابد؛ بنابراین در نگاهی کلی و در اقتضای این مقاله می‌توان عنوان کرد افرادی که تصمیم‌های خود را در طول زندگی از نگاه و منظر فال‌بین‌ها می‌گذرانند، شرطی ذهنی یا همان

تخدید ذهنیت شده‌اند. تخدید ذهنیت نه تنها در باورهای خرافه‌گرایی، بلکه در مقوله‌های دیگر ذهنی و فکری و رفتاری انسان وسعت معنایی دارد و می‌تواند استفاده شود. رسیدن به آرامش ذهنی در مراحل اولیهٔ مراجعه‌کننده به فال‌بین، مراجعه‌کننده را به مراجعات بعدی راغب‌تر می‌کند، اما در صورت تکرار این مراجعات موضوع فرق می‌کند و ذهن مراجعه‌کننده با القانات فال‌بین‌ها و دعانویس‌ها تخدید می‌یابد.



### بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، به بررسی فهم عمیق و تصور کنشگران از خرافه‌گرایی و فال‌بینی پرداخته شده است. هرچند مصاحبهٔ کیفی با نمونهٔ محدودی از دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز نمی‌تواند نتایج قابل‌تعمیمی از نظر آماری دربر داشته باشد، می‌تواند لایه‌های پنهان، عمیق و مغفول‌مانده در این حوزه را بیشتر آشکار کند. نتایج پژوهش حاضر براساس تحلیل یافته‌های مصاحبه‌ها حاکی از آن است که عوامل اجتماعی گوناگونی در گرایش دختران دانشجو در سطح مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز مؤثر است. از جمله عواملی که از متن

مصاحبه‌ها استخراج شده‌اند، عامل پیشینه خانوادگی یا همان تجربه آموخته‌شده است؛ زیرا براساس یافته‌های مصاحبه، افراد خرافه‌گرایی را از اعضای خانواده خود طی فرایند جامعه‌پذیری خانوادگی یاد می‌گیرند؛ بنابراین این یافته با تئوری دلبستگی باویل، تئوری یادگیری اجتماعی و نظریه هم‌شکلی اجتماعی هم‌خوانی دارد. همچنین از جمله عوامل تأثیرگذار بر گرایش به خرافه‌گرایی براساس یافته‌های پژوهش حاضر ساختار مردسالاری حاکم بر جامعه، فشار هنجاری، بی‌هنجاری و احساس ناتوانی است که همه عوامل متأثر از ارتباط متقابل با یکدیگر به بروز پیامدهای منفی خرافه‌گرایی منجر می‌شود. از جمله پیامدهای منفی خرافه‌گرایی در میان دانشجویان که از متن مصاحبه‌ها استخراج شد، تقدیرگرایی (سرنوشت باوری) و وابستگی فکری است. مؤلفه تقدیرگرایی با یافته‌های مانفرد (۱۹۷۶) هم‌خوانی دارد. در این پژوهش، تنها جنس زنان مطالعه شدند و باورهای خرافی مردان بررسی نشده است، اما از تحلیل مؤلفه پیشینه خانوادگی افراد مصاحبه‌شونده می‌توان استدلال کرد مردان کمتر از زنان به فال‌بین مراجعه می‌کنند این یافته با نتایج ساگون و الویرا دی کارولی منطبق نیست، اما با یافته‌های جی زب و سی مور (۲۰۰۱)، پلترز (۲۰۰۲)، گریفیس و بینگهام (۲۰۰۳) و جان‌علیزاده چوبستی و همکاران (۱۳۸۸) هم‌خوانی دارد. همچنین میان تحصیلات و خرافه‌گرایی بین پژوهش حاضر با یافته‌های بوخاری و همکاران (۲۰۰۲) هم‌سویی مشاهده نشد. تقدیرگرایی با شاخص توسعه انسانی که اساس آن بر این ملاک استوار است که انسان‌ها صاحب اراده و اختیار هستند، منافات دارد؛ زیرا تقدیرباوری بر این عقیده پایبند است که انسان‌ها تابع اراده و سلطه نیروهایی ماورالطبیعه هستند و موجوداتی منفعل محسوب می‌شوند که هیچ اختیاری در تعیین سرنوشت خود ندارند. در نگاه کلی به پیشینه پژوهش حاضر، مؤلفه احساس ناتوانی حل مسئله تأییدی بر تئوری معانی نمادی است. مؤلفه‌های مردسالاری هم‌سو با نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش آدرنو بوده است. یافته‌های به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان می‌دهد، عوامل اجتماعی از قبیل ساختارهای جامعه، عوامل خانوادگی مانند آموزش و تربیت فرزندان و عوامل روان‌شناختی از قبیل اضطراب و اعتمادبه‌نفس پایین در گرایش به باورهای خرافه‌گرایی و طالع‌بینی نقش بارزی ایفا می‌کنند. مسلم است که دانشگاه به‌عنوان کانون تولید و ترویج ذهن و اندیشه عقلانی نمی‌تواند با باورهای خرافی و سرنوشت‌باوری دانشجویان

هم‌خوانی داشته باشد؛ زیرا خرافات ریشه در کوتاه‌نظری و تنگ‌بودن دایره فکری انسان دارد که تاجر و عقب‌ماندگی را به دنبال خود دارد و به تخریب عقلانیت، پویایی اندیشه و عقل‌مداری در جامعه منجر می‌شود. چنین شرایطی زمینه‌ساز آسیب‌های جبران‌ناپذیری در فرهنگ و اندیشه جامعه خواهد شد. در نتیجه‌گیری نهایی از مجموع مفاهیم به دست آمده از متن مصاحبه‌های پژوهش حاضر، مفهوم تخریب ذهنیت است؛ بدین معنا که افراد مراجعه‌کننده دائمی به فال‌بین‌ها به کمک القائنات امیدبخش فال‌بین‌ها شرطی ذهنی به امیدواری و حل مسئله می‌شوند و آرامش ذهنی موقتی در آن‌ها ایجاد می‌شود. در بلندمدت و تکرار مراجعه به فال‌بین، ذهن و قدرت تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی فرد خرافه‌گرا، تخریب شده‌اند. تخریب ذهنیت الگویی ذهنی است که بنا بر موضوع مقاله حاضر، شاید تنها طرح موضوعی باشد از واپس‌ماندگی اکوسیستم فرهنگی جامعه.

براساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای کاربردی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱. تقویت پایه‌های جامعه‌پذیری خانوادگی و دانشگاهی با برگزاری کلاس‌های آموزشی و تهیه و بخش برنامه‌های تلویزیونی تواناساز؛
۲. تقویت معنویت دانشگاهی با برگزاری جلسات گفتارهای معنوی در شبکه‌های اجتماعی و کلاس‌های آموزشی؛
۳. توانمندسازی روانی و اجتماعی دانشجویان دختر دانشگاهی و آموزش استاندارد مدیریت استرس‌ها و حل مسئله در میان دختران دانشگاهی؛
۵. برگزاری نشست و سیمینارهای علمی به منظور افزایش دانش و آگاهی دختران دانشگاهی از پیامدهای فال‌بینی و....

## منابع

- امامی سیگاررودی، عبدالحسین، دهقان نیری، ناهید، رهنورد، زهرا و علی نوری سعید (۱۳۹۱)، «روش‌شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی»، *پرستاری و مامایی جامع‌نگر*، سال بیست‌ودوم، شماره ۶۸: ۵۶-۶۳.
- تشکر، احمد (۱۳۹۰)، *خرافه‌گرایی معضل تاریخی بشر*، قم: انتشارات زمینه‌سازان ظهور امام عصر (عج).
- جان‌علیزاده چوبستی، حیدر، بابازاده‌بائی، علی و سمانه ابراهیمی (۱۳۸۸)، «کاوشی جامعه‌شناختی در وضعیت خرافه‌گرایی دانشجویان»، *راهبرد فرهنگ*، شماره ۵: ۱۰۸-۱۲۸.
- جاهودا، گوستاو (۱۳۷۱)، «روان‌شناسی خرافات»، ترجمه محمدتقی براهنی، تهران: انتشارات البرز.
- جلالی، رستم (۱۳۹۱)، «نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی»، *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، سال اول، شماره ۴: ۳۱۰-۳۲۰.
- حسینی، سید حسن و زینب ایزدی (۱۳۹۵)، «پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مجرد جمعیت مورد مطالعه: زنان مجرد بالای ۳۵ سال شهر تهران»، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، سال چهاردهم، شماره ۱: ۴۱-۷۲.
- دارابی، علی (۱۳۸۸)، «رویکرد پدیدارشناسی در تجزیه و تحلیل پدیده‌های سیاسی»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال دوم، شماره ۵: ۱-۲۲.
- دهباشی، فهیمه و حمیدرضا آیت‌اللهی (۱۳۸۸)، «پدیدارشناسی هوسرل: ایده‌آلیسم محض یا ایده‌آلیسم استعلایی؟»، *معرفت فلسفی*، سال ششم، شماره ۴: ۱۴۱-۱۷۱.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، «نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر»، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۶).
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، «مقدمه‌ای بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی»، تهران: انتشارات کیهان.
- سخاوت، جعفر (۱۳۸۰)، «جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی»، تهران: انتشارات پیام‌نور.

- شاهنوشی، مجتبی (۱۳۸۸)، «خرافات و برخی علل و زمینه‌های آن»، پژوهشنامه، شماره ۴۱: ۱۰۱-۱۱۶.
- شریفی، اعظم، کمالی، محمد و علی چابک (۱۳۹۳)، «نیازهای اجتماعی افراد فلج مغزی: مطالعه کیفی به روش پدیدارشناسی»، مجله علمی پژوهشی توان بخشی نوین، دوره هشتم، شماره ۲: ۲۱-۳۰.
- صادقی فسایی، سهیلا و مریم ایثاری (۱۳۹۱)، «تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی»، زن در توسعه و سیاست، دوره دهم، شماره ۳: ۵-۳۰.
- صادقی، نبی (۱۳۷۵)، «بررسی خرافات اجتماعی»، تهران، نشریه اسوه، سال سوم، شماره ۱۲.
- صادقی فرد، مهدی (۱۳۸۹)، «عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش نوجوانان و جوانان پسر به بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن»، فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۶: ۸۶-۱۱۴.
- صالحی امیری، سید رضا، نگارنده، سید جواد، زمانیان، علی، شریفی، سعید، امیر انتخابی، شهرود، ضمیری، عبدالحسین و پری درویشی (۱۳۸۷)، «خرافه‌گرایی، چیستی و چرایی و کارکردها»، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، شماره ۲۳: ۱-۱۷۲.
- صداقت‌زادگان، شهناز (۱۳۹۳)، «نظریه اجتماعی قضا و قدر از دیدگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی و مرتضی مطهری»، فصلنامه علمی-پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، سال چهارم، شماره ۱: ۲۹-۵۳.
- فتاحی‌زاده، فتحیه (۱۳۸۶)، «خرافه‌باوری پیرامون زن»، فصلنامه بانوان شیعه، سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۴: ۲۰۱-۲۲۳.
- فتحی‌آذر، اسکندر، ادیب، یوسف و سمیه غلامی (۱۳۹۳)، «عمل جراحی زیبایی بینی در تجربیات زنان رضایت‌مند از عمل با رویکرد پدیدارشناسی»، مطالعات زنان، سال دوازدهم، شماره ۱: ۶۷-۹۵.



- فروغی، علی و رضا عسگری مقدم (۱۳۸۸)، «بررسی میزان گرایش به خرافات در بین شهروندان تهرانی»، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳: ۱۶۱-۱۹۱.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- قلی‌پور، محمد (۱۳۸۷)، مهره مار (درآمدی بر خرافه‌گرایی)، مشهد: انتشارات شاملو.
- کرسول، جان (۱۳۹۱)، پویش کیفی و طرح پژوهش، ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، تهران: انتشارات صفار- اشراقی.
- نیازی، محسن و شفائی مقدم، الهام (۱۳۹۳)، «بررسی عوامل مؤثر بر میزان تقدیرگرایی زنان»، جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره ۱: ۱۲۳-۱۴۷.
- وحیدا، فریدون و محسن نیازی (۱۳۸۳)، «تأملی در رابطه بین ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳: ۱۱۷-۱۴۶.
- وکیلی، هادی (۱۳۸۵)، «خرافه‌پردازی؛ خاستگاه و نقد آن»، کتاب نقد، شماره ۴۰: ۸۵-۹۶.
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷)، «جامعه‌شناسی دین»، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان. (تاریخ انتشار به زبان فارسی، ۲۰۰۱).
- Bell, A. V., and Hetterly, E. (2014), "There Is a Higher Power, But Gave Us a Free Will: Socioeconomic Status and the Intersection of Agency and Fatalism in Fertility", **Social Science and Medicine**, No. 114: 60-72
- Bukhari, S., Pardhan, A., Khan, I., Ahmed, A., Choudry, F. J., Pardhan, K., Nayeem, K., and Khan, M. (2002), "Superstitions Regarding Health Problems in Different Ethnic Groups in Karachi", **Faculty of Health Sciences, Baqai Medical University, Karachi**, No. 52: 1-8
- Day, L., and Maltby, J., (2003), "Belief in Good Luck and Psychological Well-Being: The Mediating Role of Optimism and Irrational Beliefs", **The Journal of Psychology**, No. 137: 99-110.
- Dinger, A., and Enkel, E. (2016), "Socialization and Innovation: Insights From Collaboration Across Industry Boundaries", **Technological Forecasting and Social Change**, No. 109: 50-60.
- Irwin, H. J. (1985), "A Study of the Measurement and the Correlates of Paranormal Belief ", **The Journal of the American Society for Psychical Research**, No. 79: 301-326.
- J Zebb, B., and C Moore, M. (2001), "Superstitiousness and Perceived Anxiety Control As Predictors of Psychological Distress", **In Elsevier Science Inc**, Vol. 17, No. 1: 115-130.

- Kapustina, V. A. (2016), "Socio-Psychological Aspects of Adolescent Socialization in Lone- Parent and Two-Parent Families", **Procedia - Social and Behavioral Sciences**, No. 233: 78 – 82.
- Khedry, L., Hosseini, M., Salehi Shablizi, M., Bani Naimeh, I., and Moshtaghi, A. (2013), "The Theory of Structural Anomie and Law Breaking: Case of Ahvaz's Scientific Applied University (Iran)", **Asian Journal of Humanities and Social Sciences**, Vol. 1, No. 3: 145-149.
- Peltzer, K. (2002), "Magical Thinking and Paranormal Beliefs Among Secondary and University Students in South Africa", **In Elsevier Science Inc**, No. 35: 1419-1426.
- Sachs, J. (2004), "Superstition and Self-Efficacy in Chinese Postgraduate Students", **Psychological Reports**, No. 95: 485-486.
- Sagone, E., De, C., and Maria, E. (2014), "Locus of Control and Beliefs About Superstition and Luck in Adolescents: What's Their Relationship?", **Social and Behavioral Sciences**, No. 140: 318-323.
- Stanke, A. (2004), "Religiosity, Locus of Control and Superstitious Belief, UW-L" **Journal of Undergraduate Research**, No. 7: 1-5.
- Van Ouytsel, J., Ponnet, K., Walrave, M., and d'Haenens, L. (2017), "Adolescent Sexting From a Social Learning Perspective", **Telematics and Informatics**, Vol. 34, No. 1: 287-298.
- Yau Hu Tse, A. (2015), "To Be or Not to Be Superstitious-That's the Question", **Social and Behavioral Sciences**, No. 208: 5 –12.